

جامعه‌شناسی تحلیلی و سازوکارهای اجتماعی^۱

مهدی ابراهیمی*

(تاریخ دریافت ۹۲/۰۱/۱۵، تاریخ پذیرش ۹۳/۰۲/۱۷)

سازوکارها^۲ بخش بسیار مهمی از زندگی اجتماعی‌اند. برای مثال، ما می‌توانیم ببینیم که چگونه نابرابری در گذر زمان افزایش می‌یابد و یا شهرها چگونه در جهت تفکیک و جداسازی^۳ عمل می‌کنند، اما پرسش این است که نحوه عمل سازوکارهایی از این دست چگونه است؟ در جامعه‌شناسی تحلیلی به عنوان یکی از رویکردهای اثرگذار در حوزه جامعه‌شناسی، تبیین^۴ پدیده‌های اجتماعی با شناسایی و تمرکز بر سازوکارهای اجتماعی‌ای صورت می‌گیرد که سبب وقوع رویدادها و یا پیامدهای این رویدادها می‌شوند. به‌دین منظور، مؤلفه‌های کلیدی فرایندهای اجتماعی مشخص می‌شود و نحوه ارتباط این مؤلفه‌ها با یکدیگر مورد بررسی قرار می‌گیرد. هدف جامعه‌شناسی تحلیلی، تشریح اصول معرفت‌شناختی، نظری و روش‌شناختی‌ای است که شالوده توصیف و تبیین صحیح هستند. نویسندگان فصول مختلف این کتاب نیز به دنبال کندوکاو ابعاد مختلف تبیین‌های مبتنی بر سازوکارها در علوم اجتماعی‌اند، و همچنین پاسخ به پرسش‌هایی از قبیل سازوکارهای اجتماعی چگونه موجب پیوند کنش‌های فردی با محیط‌های اجتماعی می‌شوند؟ نقش مدل‌سازی چندعاملی^۵ در مفهوم‌سازی از سازوکارها چیست؟ و آیا مفهوم سازوکار، مسأله ربط داشتن^۶ در تبیین‌های علوم اجتماعی را حل می‌کند یا خیر؟

۱. ویراستار: پی‌یر دمولنار / انتشارات: کمبریج / چاپ اول: ۲۰۱۱

Analytical Sociology and Social Mechanisms, Edited by Pierre Demeulenaere, First published 2011 by Cambridge University Press, 320 pages.

mehdi16359@gmail.com

* کارشناسی ارشد توسعه اجتماعی، دانشگاه تهران

2. Mechanisms

3. Segregate

4. Explanation

5. Multi-agent modelling

6. Relevance

مجله جامعه‌شناسی ایران، دوره پانزدهم، شماره ۲، تابستان ۱۳۹۳، ص ۱۷۸-۱۸۲

گردآورنده و ویراستار این کتاب (که در ۳ بخش و ۱۳ فصل تنظیم شده)، استاد نظریه جامعه‌شناسی و فلسفه علوم اجتماعی در دانشگاه پاریس (سوربن) است. بخش اول کتاب با عنوان کنش و سازوکارها، شامل چهار فصل است و به ارزیابی دوباره جنبه‌های مختلف نظریه کنش (عقلانیت، عواطف و باورها) که نقش مهمی در تبیین‌های جامعه‌شناختی دارند اختصاص یافته است. در این بخش همچنین از پیوندهایی بحث شده که بین کنش‌ها و محیطشان در دو سطح فرودست و فرادست^۱ وجود دارد. در فصل اول کتاب با عنوان عقلانیت معمولی^۲: اساس جامعه‌شناسی تحلیلی (نوشته ریمون بودون^۳)، جایگزینی برای نظریه گزینش عقلایی ارائه شده است. هدف نویسنده علاوه بر فهم و تبیین ابزارهای گزینش شده برای رسیدن به اهداف، فهم خود اهداف و نیز ارزش‌هایی است که مورد تأیید مردم است. به باور وی، مفهوم عقلانیت معمولی، از حیث کاربردهایی که در زمینه بازنمایی‌ها، ارزش‌ها و سایر حوزه‌ها دارد، مفیدتر از نظریه‌های کنونی عقلانیت (مانند گزینش عقلایی) است.

فصل دوم کتاب با عنوان قطعیت‌ناپذیری^۴ سازوکارهای عاطفی (نوشته جان الستر^۵)، به نقش عواطف و باورها در نظریه کنش اختصاص یافته است. نویسنده این فصل نیز از الگوی استاندارد کنش (مبتنی بر گزینش عقلایی) فاصله گرفته است؛ الگویی که نقش باورها را تنها سوق دادن کنشگر به سوی بهترین وسایل تحقق اهداف و تمایلاتش می‌داند. طبق الگوی عاطفه‌بنیاد^۶ که در این فصل ارائه شده، باورها می‌توانند عواطفی را پدید آورند که پیامدهای رفتاری به دنبال دارند. فصل سوم کتاب، هستی‌شناسی طبیعت‌گرایانه^۷ تبیین‌های ماشین‌انگار یا مکانیکی^۸ در علوم اجتماعی نام دارد و توسط دن اسپربر^۹ نوشته شده است. وی با رها کردن مدل محدود کنش ارادی و عمدی، به عناصر فرو-فردی^{۱۰} توجه می‌کند که تعیین‌کننده علی رفتار هستند. نویسنده از بومی‌کردن^{۱۱} حوزه علوم اجتماعی سخن می‌گوید و مدلی که پیش می‌کشد نه مبتنی بر روان‌شناسی، که متکی بر همه‌گیرشناسی^{۱۲} است. فصل چهارم کتاب با عنوان گفت‌وگو به مثابه سازوکار (نوشته کیث سوری^{۱۳})، سمت‌وسویی نسبتاً متفاوت از فصل سوم دارد و فهم نقش ساختار اجتماعی را جست‌وجو می‌کند. در دیدگاه نویسنده، تبیین‌های مبتنی بر سازوکار، نباید تنها به کنش‌های فردی و یا سطح فرو-فردی

1. Inferior and superior
2. Ordinary
3. Raymond Boudon
4. Indeterminacy
5. Jon Elster
6. Emotion-based
7. Naturalistic ontology
8. Mechanistic
9. Dan Sperber
10. Infra-individual
11. Naturalization
12. Epidemiology
13. Keith Sawyer

محدود شوند بلکه باید به آن چه سطح نوپدید^۱ خوانده می‌شود نیز توجه کنند. نوپدید در اینجا به معنای عدم وابستگی کنش و واکنش ارتباطی به خواسته‌ها و مقاصد افراد است. جان مایه^۲ مباحث این فصل، اهمیت توجه به اشکال نوپدید و ساختارهای اجتماعی کلان در تبیین‌های اجتماعی ماشین-انگارانه است.

بخش دوم کتاب با عنوان *سازوکارها و علیت*، از پنج فصل تشکیل شده است. فصل اول این بخش یا فصل پنجم کتاب با عنوان *مدل‌سازی از فرایندهای مولد*^۳، توسط توماس فررو^۴ (از صاحب-صاحب‌نظران جامعه‌شناسی موسوم به ریاضی-بنیاد و محاسبه‌ای) نوشته شده است. نویسنده در این فصل، مفهوم مولد بودن یا زاینده‌گی^۵ را به بحث گذاشته که بی‌ارتباط با مفهوم علیت نیست. وی بخشی از فصل را به نظریه‌های پارسونز و هومنز اختصاص داده و تفسیر آنان از فرایندهای اجتماعی را فاقد جنبه زاینده‌گی دانسته است. نویسنده با ارجاع به مدل‌های ریاضی، از مدل‌های مولدی بحث کرده که با توسعه علوم شناختی در ارتباطاند. فصل ششم کتاب (*سازوکارهای منفرد^۶ و روایت‌ها*) توسط پتر ابل^۷ نوشته شده و به چندوچونی^۸ مسأله علیت در مورد رویدادهایی پرداخته که تکرار شونده نیستند. پرسش اصلی این فصل این است که هنگامی که رویدادها و کنش‌ها تکرار نمی‌شوند آیا می‌توان از تحلیل علی سخن گفت؟ در نظر نویسنده این فصل، استنتاج علی در موقعیت-هایی از این نوع باید متکی بر مفهوم علیت منفرد باشد، و زنجیره کنش‌ها را می‌توان به مثابه روایت-هایی تصور کرد که پیوندهای علی میان‌شان شکل منفرد و یکتا دارد.

فصل هفتم کتاب با عنوان *منطق تبیین‌های ماشین‌انگارانه در علوم اجتماعی* (نوشته مایکل اشمید^۹) به توصیف ویژگی ماشین‌انگار و چندسطحی تبیین در علوم اجتماعی اختصاص یافته است. به اعتقاد نویسنده، در تبیین اجتماعی، ضرورتی برای ارجاع به قوانین کلان وجود ندارد و همچنین نباید چنین تبیینی را به طور کامل به سطح فردی تقلیل دهیم. او هر تبیین را شامل چهار مرحله می‌داند: مرحله اول در سطح فردی رخ می‌دهد و متضمن کنش‌های فردی است که به شکل علی تعیین می‌شوند. در مرحله دوم مشخص می‌شود که چگونه بین کنش‌های کنشگران مختلف، پیوستگی به وجود می‌آید. مرحله سوم، ناظر به شناسایی پیامدهای جمعی تلاش‌های مشترک در جهت تعدیل و سازگاری است. در نهایت، مرحله چهارم، شناسایی اثرات بازگشتی^{۱۰} (یا تکرارپذیر) این تعدیل‌های مشترک بر کنش‌های افراد را دربرمی‌گیرد.

عنوان فصل هشتم کتاب (نوشته پتری یلیکسکی^{۱۱})، *سازوکارهای اجتماعی و ربط تبیینی*^۱ است. نویسنده در این فصل، چهار ایده متفاوت در مورد نقش سازوکارها در فهم تبیینی را مطرح

1. Emergent level
2. Generative
3. Thomas Fararo
4. Generativity
5. Singular
6. Peter Abell
7. Michael Schmid
8. Recursive
9. Petri Ylikoski

کرده است. نخستین ایده، مربوط به روش یافتاری یا اکتشافی^۲ است و بر اساس آن، تبیین‌های ماشینی موجود به عنوان الگوها، طرح‌ها و یا دستورالعمل‌هایی برای جست‌وجوی علت‌ها مورد استفاده قرار می‌گیرند. ایده دوم با توجیه دعاوی علی در ارتباط است و در آن فرض شده که آگاهی از سازوکارهای ممکن می‌تواند پشتیبان و مؤید دعاوی علی باشد. ایده سوم دربارهٔ ارائه یا عرضه^۳ اطلاعات تبیینی است. شکل روایت‌گونه می‌تواند اطلاعات تبیینی را برای افراد قابل فهم‌تر کند و طرح‌هایی که مبتنی بر سازوکارها هستند الگویی برای این روایت‌ها تلقی می‌شوند. ایده چهارم، معطوف به سازمان‌دهی دانش علوم اجتماعی است. قدرت تبیینی و کاربردپذیری عمومی، حاصل دانشی است که در مورد سازوکارهای علی ممکن وجود دارد. به باور نویسنده، بسط دانش علوم اجتماعی، نه با صورت‌بندی تعمیم‌های تجربی‌ای که کاربرد گسترده‌تری دارند، بلکه با افزودن یا بهبود هر چه که به سازوکارهای علی ممکن در این علوم مربوط می‌شود به انجام می‌رسد. در فصل نهم کتاب با عنوان *قانون‌مندی‌های علی*^۴، کنش و تبیین که توسط گردآورنده این کتاب نوشته شده است، ارتباط میان نظم و سامان علی کنش‌های عادی و تبیین این کنش‌ها مورد بررسی قرار گرفته است. به اعتقاد نویسنده، همهٔ تبیین‌های علوم اجتماعی، مبتنی بر قانون‌مندی‌های عملی‌اند. او در این فصل کتاب از امکان‌پذیری تبیین‌های متکی بر علیت بدون در نظر گرفتن قوانین طبیعی سختگیرانه سخن به میان آورده است.

بخش سوم کتاب که *رویکردهای موجود در باب سازوکارها* نام دارد، به برخی از بررسی‌های تجربی پدیده‌های اجتماعی (که از طریق سازوکارها قابل شرح و تفسیر هستند) اختصاص یافته است. یون ابرگ و پتر هدستروم^۵ در فصل دهم (*بیکاری جوانان: یک فرایند خودتقویت‌کننده؟*)، ضمن بحث از اثرات کنش و واکنش اجتماعی، از داده‌های جمعیتی برای نشان دادن اهمیت این کنش و واکنش‌ها در تشریح سطوح بیکاری جوانان در محله‌های مختلف شهرهای سوئد استفاده کرده‌اند. سازوکارها، تأثیرات کنش‌های متقابل اجتماعی بر سطوح بیکاری‌اند. فصل یازدهم کتاب با عنوان *اثرات همجواری، سازوکارهای علی و ساختار اجتماعی شهر* (نوشتهٔ رابرت سامپسون^۶)، گزینش همجواری را بخشی از یک فرایند قشربندی دانسته که در بردارندهٔ تصمیم‌های فردی در یک چشم‌انداز مسکونی^۷ سامان‌مند (اما دائماً در حال تغییر) است. علاوه بر گزینش، دسته‌بندی^۸ را نیز می‌توان به عنوان بخشی از یک فرایند اجتماعی پویای قشربندی، مفهوم‌سازی کرد. این فرایند، سلسله‌مراتب اقتصادی برآمده از عواملی همچون نژاد را بازتولید می‌کند و توازنی ظاهراً پایدار به

1. Explanatory relevance
2. Heuristics
3. Presentation
4. Regularities
5. Yvonne Aberg and Peter Hedstrom
6. Neighborhood
7. Robert Sampson
8. Residential landscape
9. Sorting

وجود می‌آورد. در این بحث، دسته‌بندی (یا تفکیک)، هم یک سازوکار علی و هم یک فرایند اجتماعی است.

در دو فصل پایانی کتاب، از روش‌شناسی در حال توسعه مدل‌های محاسباتی (کامپیوتری) بحث شده است. این بحث را می‌توان تحول مهمی در جامعه‌شناسی تحلیلی دانست. در فصل دوازدهم با عنوان سازوکارهای اجتماعی و تبیین‌های مولد: مدل‌های محاسباتی با عوامل دوگانه^۱ (نوشته مایکل مایکل مکی و دیگران^۲)، به منطق و اهمیت مدل‌های مبتنی بر محاسبه پرداخته شده است. در دیدگاه نویسندگان این فصل، عامل‌محور بودن این مدل‌های محاسباتی به این دلیل است که در آن‌ها مدلی از واحدهای فردی خودمختار (و در عین حال، وابسته به یکدیگر) که سازنده یک نظام پویا هستند به عنوان نقطه شروع نظری تلقی می‌شود. محاسباتی بودن این مدل‌ها نیز به این علت است که در آن‌ها عامل‌های فردی و قواعد رفتاری‌شان از طریق یک برنامه کامپیوتری، بازنمایی و کدگذاری

می‌شوند. فصل سیزدهم کتاب با عنوان محرومیت نسبی^۳: مدل‌های عامل‌محور و علیت در جامعه-شناسی تحلیلی توسط جیان‌لوکا مانزو^۴ نوشته شده است و ساختار نظری و نتایج محاسباتی یک مدل عامل‌محور را عرضه می‌کند. در این بحث، دو گروه از سازوکارها مطرح شده‌اند:

۱- سازوکارهای مولد نسبت کنش‌گرانی که ناراضی‌اند؛ ۲- سازوکارهای مولد شدت احساس ناراضی‌کنش‌گران. از منظر روش‌شناختی، هدف نویسنده این است که نشان دهد جامعه‌شناسان به کمک مدل‌سازی عامل‌محور می‌توانند چگونگی عملکرد سازوکارها و اثرگذاری آن‌ها در دو سطح فردی و جمعی را بررسی کنند. در این فصل همچنین تلاش شده تا پیوندی میان مفهوم علیت و روش‌شناسی مدل‌های محاسباتی برقرار شود.

-
1. Dual agents
 2. Michael Macy et al.
 3. Relative deprivation
 4. Gianluca Manzo